

مرا شد زندگانی بر سر این رشته ها محکم  
 معالق مانده در چاهی چو بخت عاشقان مظلّم  
 در آن زندان گرفتارم که از بس عشق زندانبان  
 بهر ساعت همی خواهم که گردد بند مستحکم  
 چنان با قید خو کردم که گر قیدم فروریزد  
 بنالم زار و پیش آیم که آزادی نمی خواهم  
 بانگ لرزشی کز باد در آن رشته ها افتد  
 چو در خود بنگرم بینم که از من گشت چیزی کم  
 رشدیاسیمی

## روابط ایران و روم

در عصر هشتصدساله اشکانیان و ساسانیان

بطوریکه همه میدانیم علم جغرافیا سرزمین ایران را مانند  
 حلقه بزرگی معرفی مینماید که با سلسله ممالک مشرق زمین را  
 به ممالک مغرب زمین پیوند میدهد و این سلسله را چرخ تختاپولی مینمایاند که  
 هرگاه وسایل جدید مرابطات نباشد - مهم ترین رابط اقوام باختری  
 با ملل خاوری خواهد بود و هرچند امروزه افتتاح ترعه سوئز و  
 وجود مراکب بخاری و الکتریکی از اهمیت این موقع ایران زمین در  
 عوالم تجارت کاسته است مع هذا مزایای طبیعی آن در امور سوق الجیشی  
 که امکان برجا مانده موقع ترانزیتی آن نیز به وجه دیگر خطوط آهن  
 پدید آید بازگشت خواهد کرد. تاریخ عالم این حقیقت را روشن  
 گردانیده است که جمیع علوم و صنایع و مبادی مدنیت و آداب و

رسومی که ملل مغربی از مشرقی و یا بالعکس فرا گرفته اند بوساطت  
ایران بوده و علاوه بر آنکه ایرانیان خوبشتمن در پرتو هوش جبلی  
و استعداد فطری و مساعدت اقلیمی به اختراع بسیاری از لوازم مدنیت  
موفق شده اند وظیفه دلالگی تمدن را نیز متعهد بوده فضایل و صنایع  
بعضی از اقوام را گرفته سروصوت کاملتری بخشیده به اقوام دیگر  
یاد میدادند - قافله ها و کاروانهای تجارتنی و سیاحتی هرروزه از ممالک  
وسیعۀ اروپا و افریقا و آسیای پیشین (صغیر) (۱) به عزم اقلیم  
هندوستان و جزایر آبادان اقیانوس و اقلیم چین و تبت و ترکستان  
به خاک ایران وارد میشدند و همچنین کاروانهایی که محصولات بی نظیر  
آسیای شرقی و آسیای اقصی و جزایر را با خود داشتند از سمت مشرق  
ایران و شمال شرق یا خلیج فارس به داخله ایران می آمدند و  
بدین طریق شهرهای مادر زبان ملل روی زمین به (ام البلاد) یا (صد  
دروازه) و یا (کالا انبار) و از این قبیل القاب بزرگ دیگر خوانده  
میشدند و بقول مورخین رومی بازارهای ایران نمایشگاه ملل و اقوام  
و نژادهای گوناگون و لباس ها و قیافه های رنگارنگ میکردید.

طبیعی است وقتی يك مملکت دارای چنین موقع خطیر بین المللی  
باشد پیوسته مظمح انظار آزمندان جهان و مورد مهاجمات قوی  
چنگان دوران خواهد بود و ملتی که اینگونه کشوری سکنا میگزینند  
ناچار است همانطور که خاک خویش را معبر عمومی و کاروانسرای  
بین الاقوام قرار داده است دروازه های فولادین و سد بندهای آهنین  
نیز در پی دست خود داشته باشد تا هنگام ضرورت بتواند جلومعبر

(۱) آسیای پیشین جمله یسئیده جناب اشرف آقای مشیر الدوله است که بعقیده ما  
از عنوان آسیای صغیر مناسب تر است.

را گرفته زوار نامطلوب و مسافرن خطرناک را دست رد بر سینه گذارد.  
 بنا بر مقدمه فوق بخوبی ادراک توان کرد که ملت ایران مابین سایر  
 ملل جهان دشوارترین وظیفه و سهمگین ترین مسئولیت را بر عهده  
 داشته است زیرا میباید از سمتی رابط تجاری و اقتصادی و علمی و صناعی  
 بوده مناسبات دنیای شرق و غرب را تسهیل کرده با نقل و انتقال  
 تمدن بر توسعه و ترقی آن بیفزاید و عبور و مرور کاروانها و قوافل  
 را تسهیل کرده سرزمین خود را مهمان سرای جهانیان قرار دهد و از  
 جانبی نیز میبایستی پیوسته بیدار و هوشیار زیسته شمشیر بر کف در  
 حدود پهناور خویش بر پا ایستاده از هجوم طوایف وحشی یا دولت  
 های متمدنی که از مغرب به مشرق طمع میبردند و یا از مشرق رویه  
 مغرب میساختند با بازوان نیرومند و تدبیر بی نظیرش جلوگیری کند.  
 تاریخ ایران و داستان روابط دولت های گذشته ما با ممالک و ملل اروپائی  
 و آسیائی جز از دواصل عمده و دو مقصد عظیم مزبور حکایت نمی نماید.  
 از دوره هائی که داستان آن پیش از همه شایان توجه و  
 اعتبار اهل تاریخ است یکی عصر هشتصد ساله است که بنا طلوع  
 کوكب اشکانیان آغاز گردیده و با غروب ستاره ساسانیان و هجوم  
 تازیان انجام میپذیرد - در این عصر طولانی ایرانیان از يك سمت  
 با حرص شعله ور رومیان در جهانگیری تصادف کرده و از سمت  
 دیگر با جهانتازی تورانیان تصادم داشته اند یعنی ایران با يك دست  
 رومیان را که دعوی تمدن داشتند بر جای خود می نشانید و از  
 هوای تملك هندوستان منصرف میساخت و با دست دیگر اقوام  
 وحشی تورانی را که آرزوی روم را بر سر داشتند به عقب میراند

چنانچه عاقبت وقتی تورانی ها نتوانستند از حدود ایران بگذرند از صحراهای شمالی گذشته شربت نا گوار و برانی را به امپراطوری پرحرص و آز روم چشاندند و ضعف ملی و نقص تشکیلات و تدبیر رومیان از همین حادثه مدتش تاریخی پدید گشت زیرا چندین قرن ملت ایرانی با طوایف وحشی تورانی دست در گریبان بود و پیوسته آنان را سر کوبی کرده یا به زندگی آرام و مدنیت آشنا میساخت و یا نا گریزشان میکرد تا آنکه از حدود ایران پیچیده راه خود را بسوی دیگر بگردانند ولی همینکه وحشیان موفق شدند از راه های شمالی به حدود اروپا در آیند امپراتوری روم با همه شکوه و حشمت از پا در افتاد و رومیان چنان خود را کم کرده جرئت و تدبیر را باختند که برای مردم محقق عبرت انگیز است - هجوم وحشیان و بر انداختن امپراتوری روم يك واقعه ایست که نباید اصلاً با هجوم تازیان و بر انداختن ساسانی ها مقایسه کرد زیرا غلبه عرب بر ایران در حقیقت فتح اصول و عقیده بود نه شمشیر و تیر - ایرانیان در مقابل دینی واقع شدند که رجز طبقات گانه نجبا و بزرگان قاطبه ملت ملت آنها با منافع فردی و اجتماعی خود موافق یافتند و لهذا گروه گروه بدان گرویدند و بطوریکه نصوص روایات و تواریخ گواهی میدهد همان چند بار میدان داری و جنگی هم که شد غالباً طبقات نجبا کردند و بعد از سلطه عرب نیز در قرن اول همان نجبا بودند که بر علیه مسلمانان شورش افکنده با کشته شدن خود را از تحمل سلطه اجنبی آسوده میکردانند ولیکن حماه و وحشیان بر امپراتوری روم دارای ماهیتی نبود که طبقات ملت را بر خلاف همدیگر بر

اندکیزاند بلکه بعلمت قتل و نهب و حرقی که وحشیان در هر مورد علی السویه پیشه خود ساخته بودند طبعاً جمیع اصناف و طبقات رومی و حتی سایر اقوام تابعه و محکومه بهم نزدیکتر میشدند تا قوه مدافعه را بهتر احراز کنند و معیناً مغلوب مهاجمین گشتند بالجمله مقصود آن بود که داستان روابط ایران با ملل و ممالک آسیائی و اروپائی در آن عصر هشتصد ساله شایان هر گونه تحقیق و تتبع است و نگارنده در طی این مقالات مختصر مایل است توجه علاقمندان به تاریخ ایران را به نکاتی جلب کند که بحث آنها از چندین جهت برای اهل فن لازم است.

رحیم زاده صفوی

## زیر چادر

زنان مشرق زمین بی اندازه مورر توجه مغرب زمینی ها و مخصوصاً زنان آنها بوده اند. هرگاه مسافری یا مهاجرینی از ممالک غربی بایران میامدند، یکی از بزرگترین آرزویشان این بوده که راجع به زنان ایران اطلاعاتی کسب نمایند و باین ارمغان نفیس به مملکت خود بازگشت کرده این اطلاعات را به بهترین و جالبترین طرز ب معروض استفاده عموم بگذارند.

اینقسم اطلاعات علاوه بر اینکه برای مغرب زمینی ها خیلی تازه و جالب است برای ایرانیان هم باید نفیس و کرانبها باشد، زیرا اینگونه اطلاعات علاوه بر اینکه طرز فکر مغربی ها را نسبت بمانشان میدهد، حالات گذشته نسوان ما را نیز بایک طرز جالبی از نظر ما میگذراند.